آرمان ملّی
armanmeli.ir
سال هفتم
شماره ۱۸۰۷
چهارشنبه
۱۴۰۳•۰۱•۲۹
۰۸ شوال ۱۴۴۵/ ۱۷ آوریل ۲۰۲۴

یادداشت

ایران چگونه از جنگ بزرگ جلوگیری کرد؟

احمد بخشایش اردستانی
کارشناس مسائل بین‌الملل

در حمله موشکی به اسرائیل، ایران به دنیای غرب نشان داد که قادر است از خاک خود نقطه زن باشد و موشک‌هایی را به نقاط خاص بفرستد، این بدان معنی است که ایران زین پس توازن منطقه‌ای و بازدارندگی را تغییر داده است، چون اسرائیلی‌ها حواس‌شان به ایران بود و در آستانه تحمل ایران بازی می‌کردند، گاهی شخصیت‌ها و نظامیان ایرانی را ترور می‌کردند که مرتب دنبال صبر استراتژیک ایران بودند ولی این دفعه فهمیدند که واقعا ایران اراده‌ای برای انتقام دارد و انتقام ایران بسیار انتقام خوبی بود به خاطر اینکه از این به بعد ایران در جهان و خصوصا در بین کشورهای خاورمیانه یک سر و گردن بالاتر قرار خواهد گرفت و کشورها فهمیدند که ایران جدی است ضمن اینکه ایران هم نیاز داشت که این جدیت را در یک جایی امتحان کند. در مورد اینکه آیا اسرائیل اقدامی خواهد کرد یا خیر بنده معتقدم اسرائیل به چند دلیل اقدامی نخواهد کرد؛ دلیل اول اینکه اسرائیلی‌ها مرتب دارند بیان می‌کنند که ما ۹۹ درصد موشک‌ها و پهپادهای ایرانی را با کمک همکاران‌مان خنثی کردیم، به نظر من آنها می‌خواهند ارزش کار را کم کنند که پاسخ ندهند ولی در واقع خودشان می‌دانند که ایران می‌خواست «پایگاه نظامی نواتیم» که اف ۳۵ ها از آنجا پرواز کردند و کنسولگری ایران را مورد هدف قرار دادند را از بین ببرد و نابود کند که این کار را هم کرد. نکته بعد اینکه آمریکایی‌ها به اسرائیل گفته‌اند که وارد جنگ بزرگ نشود، ایالات متحده به اسرائیل هشدار داده که اگر وارد جنگ بزرگ بشوی ما تو را همراهی نخواهیم کرد چون ما ۵۲ پایگاه در کنار ایران داریم و احتمال اینکه مشکل برای‌مان ایجاد شود وجود دارد. نکته سوم اینکه ایران گلوگاه اسرائیل را در دست گرفته است، یمنی‌ها باب المندب را کنترل می‌کنند و ایران با توقیف این کشتی پرتقالی که مالک آن یک اسرائیلی بود و روز شنبه انجام گرفت نشان داد که اگر شما می‌خواهید که از طریق عربستان، امارات واردن کالا را به جای دیگری برسانید ما در تنگه هرمز حضور داریم، اگر شما از چنگ یمنی‌ها نجات پیدا کنید از دست ما نجات پیدا نخواهید کرد. از طرفی اقتصاد اسرائیل هم دریا پایه است و وابسته به واردات و صادرات دریایی است و بالاخره اینکه اسرائیل هم نمی‌خواهد بیش از این خود را در جنگ درگیر کند. نکته دیگر اینکه ایران به نحوی دارد خود را به یک ابرقدرت تبدیل می‌کند. از سوی دیگر طبیعی است که وقتی ثبات وجود نداشته باشد قیمت‌ها افزایش پیدا می‌کند و این به ضرر کشورهای اروپایی صنعتی است. در این بین تنها کاری که اسرائیل می‌تواند انجام می‌دهد حملات سایبری، بازی با قیمت دلار و طرح مقداری بحث‌های اقتصادی است ولی بیشتر از این نمی‌توانند کاری انجام دهند. در مجموع اینکه دنیا باید بر پایه صلح بچرخد و جنگ یعنی بی‌ثباتی اقتصادی و هیچ‌کس جنگ را دوست ندارد؛ سیاست ایران نیز بر پایه جنگ نیست و این حمله‌ای که انجام داد به خاطر این بود که از جنگ‌های آینده جلوگیری کند. چرا که اگر جنگ منطقه‌ای و بزرگی رخ دهد با توجه به اینکه حدود ۳۰ میلیون بشکه نفت از تنگه هرمز رد می‌شود قطعا قیمت این کالای استراتژیک بالا خواهد رفت و به تبع آن قیمت تولیدات صنعتی افزایش خواهد یافت. ضمن اینکه آمریکا که بزرگ‌ترین حامی اسرائیل است درگیر انتخابات است و دنبال جنگ نیست و حتی در قصه غزه نیز همه حرف آمریکا این بود که درست است که ما به اسرائیل کمک می‌کنیم و شما هم به جبهه مقاومت کمک می‌کنید ولی بهتر است سطح تنش را پایین بیاورم، سطح تنش بین اسرائیل و غزه و حزب‌ا... و یمن داشته باشیم و من فکر می‌کنم اسرائیلی‌ها بعد از اینکه چند روزی از کرکری‌های علیه ایران عبور کردند و کاری انجام ندادند آرام آرام در غزه نیز فروکش خواهند کرد

دیدگاه

قاسم محبعلی مطرح کرد:

آثار داخلی و منطقه‌ای حمله ایران به اسرائیل

حمله ایران به اسرائیل می‌تواند چه آثاری در حوزه منطقه‌ای و البته داخلی داشته باشد؟ برخی می‌گویند در منطقه باعث افزایش بازدارندگی ایران می‌شود و برخی هم باور دارند ممکن است جنگی مستقیم میان ایران و اسرائیل در بگیرد. در حوزه داخلی هم نگاه‌ها متفاوت است. یک تحلیلگر مسائل بین‌الملل اظهار داشت: هر اقدامی در سیاست و اقتصاد آثار جانبی خود را در پی دارد؛ حمله ایران به اسرائیل هم از این قاعده مستثنی نیست. دلیل کلی حمله ایران به اسرائیل به حمله این رژیم به کنسولگری ایران بازمی‌گردد اما این حمله آثاری منطقه‌ای خواهد داشت. اگرچه اسرائیل با کمک آمریکا و کشورهای اروپایی توانستند بخشی از موشک‌ها و پهپادهای ایران را کنترل کنند اما در پی این حمله کشورهای دیگر متوجه شدند در صورت هرگونه تعرض به خاک ایران با واکنش سختی مواجه می‌شوند که قادر به مقابله با آن هم نیستند؛ از این رو حمله ایران به اسرائیل در حوزه منطقه‌ای برای ایران قدرت بازدارندگی ایجاد کرد و برای مثال کشورهایی مانند عربستان، پاکستان یا کشورهای جنوبی ایرآنکه در برد موشکی و پهپادی ایران قرار می‌گیرند از یک سو در سیاست‌های خود در مواجهه با ایران با احتیاط بیشتری رفتار می‌کنند و از سوی دیگر احتمالا به سمت هم پیمانی بیشتر با غربی‌ها بروند تا قدرت بازدارندگی‌شان را افزایش دهند. قاسم محبعلی، گفت: باید منتظر ماند و دید که واکنش اسرائیل به این قضیه چه خواهد بود. آیا واکنش نشان می‌دهد یا خیر؟ اگر واکنش نشان می‌دهد، در چه حد و سطحی است و واکنش بعدی ایران چه خواهد بود؟ آیا مسئله به سمت حل و فصل از طرق سیاسی می‌رود یا منجر به جنگ می‌شود؟ همه اینها پرسش‌هایی است که در آینده می‌شود به آنها پاسخ داد.» این تحلیلگر مسائل سیاست خارجی همچنین بیان کرد: در حوزه داخلی هم حمله ایران به اسرائیل می‌تواند تأثیراتی داشته باشد. وقتی بحران بالا می‌رود ممکن است راه‌حل‌های سیاسی به میان آید و مثلا ایران و آمریکا به طور مستقیم یا از طریق اروپایی‌ها به نوعی با راه‌حل‌های دیپلماتیک به توافق برسند. محبعلی تصریح کرد: آن سوی ماجرا هم وجود دارد؛ آنکه اگر راه حل سیاسی پیگیری نشود، طبیعتا آمریکا و اروپایی‌ها میزان تحریم‌ها علیه ایران را افزایش می‌دهند. اسرائیل هم بعد از این می‌تواند کمک‌های بیشتر نظامی و مالی از غربی‌ها دریافت کند.

محسن جلیلوند در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

ایران پیروز جنگ روایت‌ها در مقابل اسرائیل است

+ اسرائیل دیر یا زود به حمله ایران واکنش نشان خواهد داد

+ ایران قصد ندارد سطح تنش را به بحران تبدیل کند

آرمان ملی- احسان انصاری: واکنش اسرائیل به حمله نظامی ایران چه خواهد بود؟ در شرایط کنونی این مهم‌ترین سوالی است که افکار عمومی جهان و ایران با آن مواجه است. شواهد و قرائن نشان می‌دهد که اسرائیل به دنبال حمله مستقیم به خاک ایران نیست. این در حالی است که شایعاتی بین بخش‌هایی از مردم مبنی بر احتمال این حمله به وجود آمده که البته بیشتر جنبه شایعه دارد. با این وجود این موضوع که اسرائیل در مقابل حمله ایران هیچ واکنشی نشان نخواهد داد تا حدود زیادی خوش بینانه خواهد بود. «آرمان ملی» برای بررسی این موضوع و پیامدهای حمله نظامی ایران به اسرائیل با دکتر محسن جلیلوند، تحلیلگر روابط بین‌الملل گفت‌وگو کرده است. جلیلوند معتقد است: این گزینه که اسرائیل به حمله ایران پاسخ خواهد داد قطعا این اتفاق دیر یا زود رخ خواهد داد. ایران نیز در سراسر جهان منافعی دارد و دوستانی دارد که ممکن است در دسترس اسرائیل قرار داشته باشد. محور مقاومت یکی از گزینه‌های اقدام متقابل خواهد بود. هنگامی که ایران از خاک عراق به پایگاه آمریکا حمله کرد آمریکا به خاک ایران حمله نکرد و بلکه در داخل خاک عراق رهبران جبهه مقاومت را ترور کردند. به همین دلیل لزومی ندارد که اسرائیل برای پاسخ متقابل به ایران به خاک ایران حمله کند. در ادامه ماحصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

با توجه به اتفاقات اخیر واکنش اسرائیل به حمله نظامی ایران چه خواهد بود؟

اسرائیل دیر یا زود به حمله نظامی ایران واکنش نشان خواهد داد. اینکه این واکنش متقارن با شرایط ایران خواهد بود یا خیر موضوعی است که زمان آن را مشخص خواهد کرد. در شرایط کنونی رهبران اسرائیل عنوان می‌کنند در شرایطی که نسبت به حمله ایران واکنش نشان ندهند مفهوم بازدارندگی را از دست می‌دهند. هنوز مشخص نیست که این واکنش متقارن خواهد بود یا نامتقارن. در شرایط کنونی اغلب تحلیلگران بر این باور هستند که اسرائیل قطعا نسبت به حمله نظامی ایران واکنش نشان خواهد داد. تنها ابهامی که در این زمینه وجود دارد زمان این واکنش خواهد بود که در چه زمانی و به چه صورتی این واکنش انجام خواهد شد. اینکه برخی عنوان می‌کنند اسرائیل ممکن است به خاک ایران حمله کند زیاد محتمل نیست و من گمان نمی‌کنم اسرائیل دست به چنین کاری بزند.

بایدن عنوان کرده در صورتی که اسرائیل قصد داشته باشد نسبت به حمله نظامی ایران واکنش نشان بدهد آمریکا با این کشور همراهی نخواهد کرد. در چنین شرایطی اسرائیل به تنهایی نسبت به حمله نظامی ایران واکنش نشان خواهد داد و یا متحدانی خواهد داشت؟

واقعیت این است که آنچه در حرف گفته می‌شود با آنچه در عمل رخ می‌دهد با هم متفاوت است. بایدن به خوبی به این نکته آگاهی دارد که در صورتی که علیه ایران با اسرائیل همراهی کند منافع این کشور نیز توسط ایران به خطر خواهد افتاد. به همین دلیل نیز آمریکا به دلیل اینکه منافع‌شان در منطقه و حتی در سراسر جهان به مخاطره نیفتد از همراهی کردن با اسرائیل علیه ایران خودداری خواهند کرد. آمریکایی‌ها نیز به خوبی به این نکته آگاهی دارند که ایران از این توانایی برخوردار است که به منافع آنها ضربه بزند.

در چنین شرایطی ایران دقیقا کدام منافع آمریکا را به خطر خواهد انداخت؟

اگر وضعیت به شرایط جنگی یا نیمه جنگی برسد آمریکا در منطقه خاورمیانه پایگاه‌هایی دارد که در تیررس ایران قرار دارد. از سوی دیگر نیروهای آمریکا که در منطقه حضور دارند نیز در دسترس ایران قرار دارند. نکته مهم دیگری که وجود دارد این است که آمریکا می‌داند ایران در آمریکای لاتین نیز دوستانی دارد و می‌تواند منافع آمریکا را مورد هجوم قرار دهد. بسیاری از کشتی‌های آمریکایی در آب‌های آزاد و تنگه‌های بین‌المللی در حال رفت وآمد هستند که می‌تواند هدف حمله ایران قرار بگیرد و ایران قابلیت این را دارد که به این اهداف حمله کند.

پس از حمله ایران شایعاتی بین مردم مبنی بر احتمال حمله نظامی اسرائیل به خاک ایران به وجود آمده است. به چه میزان این شایعات احتمال تحقق دارد؟ آیا نتانیاهو در وضعیتی قرار دارد که بتواند به خاک ایران حمله کند؟

این وضعیت بسیار بعید به نظر می‌رسد و من چنین احتمالی نمی‌دهم که اسرائیل دست به چنین کاری بزند و بخواهد خاک ایران را تهدید کند. این گزینه‌ای بسیار ضعیف است. با این وجود این گزینه که اسرائیل به حمله ایران پاسخ خواهد داد قطعاً این اتفاق دیر یا زود رخ خواهد داد. ایران نیز در سراسر جهان منافعی دارد و دوستانی دارد که ممکن است در دسترس اسرائیل قرار داشته باشد. محور مقاومت یکی از گزینه‌های اقدام متقابل ایران خواهد بود. هنگامی که ایران از خاک عراق به پایگاه آمریکا حمله کرد آمریکا به خاک ایران حمله نکرد و بلکه در داخل خاک عراق رهبران جبهه مقاومت را ترور کردند. به همین دلیل لزومی ندارد که اسرائیل برای پاسخ متقابل به ایران به خاک ایران حمله کند. در هر جنگی هنگامی که ما در یک زمین بازی می‌کنیم قرار نیست طرف مقابل نیز در همان زمین بازی کند و بلکه زمین بازی خود را تغییر می‌دهد. این زمین بازی نیز هر گزینه‌ای می‌تواند باشد. در چنین شرایطی طرفین نمی‌دانند که طرف مقابل چه اهدافی را دنبال می‌کند و به دنبال چیست. در هر جنگی طرفین اصل غافلگیری را برای خود حفظ خواهد کرد. این اصل غافلگیری نیز به هر شکلی ممکن است وجود داشته باشد. به عنوان مثال اسرائیل هنوز در حمله ایران به اسرائیل اطلاع ندارد که این میزان از حمله چند درصد توانایی نظامی و موشکی ایران بوده است. به اذعان خودشان این میزان حمله در حدود ۱۰ درصد توانایی نظامی ایران بوده است. در این حمله ایران از همه توانایی نظامی خود را استفاده نکرده است. پرسش مهم این است که اگر ایران از همه توانایی نظامی خود استفاده کند آیا گنبد آهنین از این توانایی برخوردار است که در مقابل حمله ایران ایستادگی کند یا خیر؟ اغلب جنگ‌ها به دلیل سوءمحاسبه صورت می‌گیرد و نه محاسبه. اگر اسرائیل قصد داشته باشد وارد جنگ با ایران شود نیز وارد سوءمحاسبه شده است. هنگامی که یکی از طرفین وارد سوءمحاسبه می‌شوند نتایج آن برای آنها غیرقابل پیش بینی خواهد شد.

> اسرائیل دیر یا زود به حمله نظامی ایران واکنش نشان خواهد داد. اینکه این واکنش متقارن با شرایط ایران خواهد بود یا خیر موضوعی است که زمان آن را مشخص خواهد کرد. در شرایط کنونی رهبران اسرائیل عنوان می‌کنند در شرایطی که نسبت به حمله ایران واکنش نشان ندهند مفهوم بازدارندگی را از دست می‌دهند. هنوز مشخص نیست که این واکنش متقارن خواهد بود یا نامتقارن

نتیجه حمله ایران به اسرائیل به موضوعی محل مناقشه تبدیل شده است؟ آیا اراده ایران از نظر نظامی در همین حد بوده و قصد بیشتری نداشته است؟

واقعیت این است که ایران قصد نداشت سطح منازعه را از تنش به بحران تبدیل کند. در شرایط کنونی نیز سطح منازعه در حد تنش است و نه بحران. به هر حال ایران و اسرائیل وارد دالانی شده‌اند که در نهایت به بحران منجر خواهد شد. در شرایط کنونی اگر اسرائیل به ایران حمله کند این دالان به بحران منجر خواهد شد و تنش به بحران تبدیل خواهد شد. ایران نمی‌خواهد سطح تنش از این بیشتر شود. به همین دلیل نیز براساس آنچه امیر عبداللهیان گفته است ایران ۷۲ ساعت قبل از حمله به کشورهای همسایه اطلاع داده و جزئیات را نیز بیان کرده است. اینکه نتیجه نظامی این اقدام چیست موضوعی است که در پشت این اراده قرار می‌گیرد و در اولویت نخست قرار ندارد. بدون تردید اگر ایران قصد داشت سطح تنش را افزایش بدهد با پهپادهای بیشتر و موشک‌های قوی‌تری به اسرائیل حمله می‌کرد. این موضوع که گنبد آهنین و سیستم پدافند هوایی اسرائیل چه عملکردی در این حمله داشته بحث دیگری است. آنچه مسلم است این است که ایران قصد نداشته این تنش را به بحران تبدیل کند. این وضعیت از نظر نظامی است. از نظر سیاسی در شرایط کنونی نتانیاهو از زیر برخی از فشارها خارج شده است. تا قبل از حمله ایران به اسرائیل نتانیاهو در زمینه تقابل با حماس و حمله به رفح دچار تردید بود. با این وجود با حمله ایران به اسرائیل حداقل در کوتاه مدت از زیر فشارها خارج شده است. از نظر تبلیغاتی و جنگ روایت‌ها نیز من معتقدم ایران پیروز جنگ روایت‌ها بوده است. دلیل این موضوع این است که اسرائیل تا زمانی که این مصاحبه انجام می‌شود هیچ کاری در مقابل ایران انجام نداده است.

> در هر جنگی هنگامی که ما در یک زمین بازی می‌کنیم قرار نیست طرف مقابل نیز در همان زمین بازی کند و بلکه زمین بازی خود را تغییر می‌دهد. این زمین بازی نیز هر گزینه‌ای می‌تواند باشد. در چنین شرایطی طرفین نمی‌دانند که طرف مقابل چه اهدافی را دنبال می‌کند و به دنبال چیست. در هر جنگی طرفین اصل غافلگیری را برای خود حفظ خواهد کرد. این اصل غافل گیری نیز به هر شکلی ممکن است وجود داشته باشد

نگـره

«بی بی» به خط پایان رسید!

پس لرزه پاسخ موشکی ایران؛ شکاف‌ها در اسرائیل عریان شد

اسرائیل عمیقا درگیر چند صدایی شده؛ از آسمان روز یکشنبه این بازیگر تفاسیر متفاوتی ارائه شد. حامیان بنیامین نتانیاهو تلاش داشتند تا با برجسته کردن نمایش فناوری دفاعی اسرائیل در برابر حمله موشکی ایران، اعتبار از رفته این بازیگر را بازگردانند اما مخالفان باور دیگری داشتند و اعلام کردند پاسخ ایران، اسرائیل را شوکه کرد. مزال معلم، مفسر سیاسی فعال در المانیتور، ضمن تایید این مقوله مدعی شد که پاسخ ایران به اسرائیل نیز به سان برخی از موضوعات چند صدایی حاکم بر این بازیگر را عریان کرد. به گفته این تحلیلگر «تفرقه و دوقطبی شدن جامعه اسرائیل به یکی از چالش‌های جدی اش تبدیل شده است.»

نتانیاهو در برزخ

پاسخ ایران به اسرائیل درست زمانی انجام شد که نتانیاهو در موقعیتی حساس و سختی قرار داشته و دارد. نتانیاهو در داخل، رهبری است منفور که بسیاری از اسرائیلی‌ها او را مسئول شکست‌های اطلاعاتی این رژیم می‌دانند؛ شکستی که منجر به حمله حماس به جنوب سرزمین‌های اشغالی شد و این بازیگر را وارد جنگ در غزه کرد. خارج از مرزهای سرزمین‌های اشغالی نیز، «بی بی» در کانون سرزنش بین‌المللی به واسطه جنگ در غزه قرار دارد. حال اینکه نتانیاهو در نهایت چگونه می‌تواند به شرایط پرتنش پایان دهد؛ سوالی است که پاسخش مشخص نیست. به ادعای نیویورک تایمز، نتانیاهو اکنون باید انتخاب کند. آیا او با ضد حمله (ادعایی) به ایران پاسخ خواهد داد و به طور بالقوه اسرائیل و سایر کشورها را درگیر یک جنگ گسترده‌تر خواهد کرد؟ یا تسلیم خواهد شد؟ متحدان اسرائیل می‌خواهند که این بازیگر سکوت کند. نتانیاهو از اولین سال ریاست جمهوری‌اش در سال ۱۹۹۶ در باب قدرت و توان ایران هشدار می‌داد. به بیانی دیگر او برای نزدیک به سه دهه زنگ خطر را در باب توان و قدرت ایران به صدا درآورد. به ادعای حامیان نخست‌وزیر اسرائیل، تهران در کنار اعضای محور مقاومت که در عراق، سوریه و یمن و لبنان مستقر هستند، تهدیدی جدی علیه موجودیت این رژیم قلمداد می‌شوند. پیشتر «بی‌بی» تلاش داشت تا با مانور بر برنامه هسته‌ای ایران، زمینه را برای چالش فراهم کند.

بازی تازه «بی‌بی»

حامیان نتانیاهو که زمانی همصدا با او در باب برنامه هسته‌ای ایران هشدار می‌دادند و حالا به گونه‌ای دیگر تلاش دارند تا قدرت و توان ایران را هولناک جلوه دهند، در موضع ضعف قرار گرفته‌اند. آنگونه که نیویورک تایمز مدعی است، پیش‌تر نتانیاهو برای جلب توجه جهان به برنامه هسته‌ای ایران به اهرم‌های پرهزینه‌ای متوسل می‌شد اما هربار هم خواسته‌اش از جامعه جهانی در این باره بی‌پاسخ می‌ماند. در برخی مواقع، کارزار (ادعایی) نتانیاهو علیه ایران روابط اسرائیل با روسای جمهور آمریکا را به شدت متشنج کرده است، اگرچه حمایت دو حزبی ایالات متحده از اسرائیل برای مدت طولانی به عنوان یک دارایی استراتژیک برای این بازیگر تلقی می‌شود. سال ۲۰۱۲، نتانیاهو باراک اوباما را برای تعیین خط قرمزهای واضح در مورد پیشرفت برنامه هسته‌ای ایران تحت فشار قرار داد، گزاره‌ای که خشم دولت اوباما را برانگیخت. پیش از آن، نخست وزیر اسرائیل در مواجهه با مخالفت شدید واشنگتن و انتقاد عمومی از سوی تعدادی از روسای سابق امنیتی اسرائیل، برنامه‌هایی را برای حمله یکجانبه ادعایی اسرائیل طراحی می‌کرد. هرگز مشخص نبود که آیا نتانیاهو در حال بلوف زدن است یا خیر، از همین‌رو چشم انداز حمله قریب الوقوع کاهش یافت. «بی بی» همچنین در سال ۲۰۱۵ به واسطه آنچه که او از آن تحت عنوان «توافق بد» در حال مذاکره میان ایران و ایالات متحده و دیگر قدرت‌های جهانی قلمداد می‌کرد، رویاروی واشنگتن قرار گرفت. هنگامی که ترامپ به قدرت رسید، نتانیاهو توانست با او هم صدا شده و زمینه را برای خروج واشنگتن از برجام هموار کند - اقدامی که بسیاری از کارشناسان اسرائیلی آن را اشتباه فاحش و شکست سیاست «بی بی» در برابر ایران قلمداد کردند. امروز نیز نتانیاهو بازی تازه‌ای را آغاز کرده، بازی که پس لرزه‌های احتمالی اش می‌تواند برای این بازیگر پرهزینه باشد.